

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

سرور اهل عبادت علیهم السلام
بر قلّه معرفت

۲۳ دی ۱۳۸۸

۲۷ مهر ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن

در جلسات گذشته درباره شخصیت حضرت امام محمد باقر علیه السلام، حضرت امام جواد علیه السلام و حضرت امام هادی علیه السلام و نیز وضعیت اجتماعی حاکم بر آن دوران سخن گفتیم. در این مبحث، در مورد شخصیت حضرت امام زین العابدین علیه السلام نکاتی را یادآور می‌شویم.

برای شناخت بهتر و دقیق‌تر ابعاد شخصیتی این امام بزرگوار علیه السلام به رسم معمول، ابتدا به حدیث گرانقدر لوح رجوع می‌کنیم. در این حدیث شریف، خداوند متعال بعد از معرفی حضرت امام حسین علیه السلام درباره حضرت امام سجّاد علیه السلام چنین می‌فرماید:

« بعترته أئيب وأعاقب، أولهم عليّ سيّد العابدين وزين أوليائي
الماضين »^(۱).

من ثواب و عقاب را به وسیله عترت ایشان مقرر می‌کنم، عترتی

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۸.

که اولین آنها «علی» سرور عبادت کنندگان و زینت اولیای گذشته من می باشد.

در این حدیث دو مقام برای حضرت امام سجّاد علیه السلام ترسیم شده است؛ ۱. مقام عبداللّهی. ۲. مقام ولیّ اللّهی. پیش از پرداختن به تبیین این دو مقام، به گوشه‌ای از اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران حضرت امام سجّاد علیه السلام اشاره‌ای می‌کنیم.

شرایط سیاسی و اجتماعی بعد از قیام عاشورا

عمر شریف حضرت امام سجّاد علیه السلام ۵۷ سال بود که اگر سال شهادت این امام بزرگوار را سال ۹۵ هجری قمری^(۱) بدانیم، دوران امامت ایشان از سال ۶۱ تا سال ۹۵ هجری قمری، یعنی حدود سی و پنج سال به طول انجامید. اوضاع و شرایط اجتماعی آن دوران بسیار سخت و دشوار بود. البته این شرایط سخت را زمانی درک می‌کنیم که به میزان فهم و ادراک مردم آن روزگار، همچنین میزان پابندی آنان به فضایل و ارزش‌های اخلاقی و انسانی واقف شویم. مردم آن روزگار به دلیل دنیا پرستی و جاه‌طلبی به جایی رسیده بودند که هر روز بیشتر از اهل بیت علیهم السلام فاصله می‌گرفتند. حضرت امام سجّاد علیه السلام در این مورد می‌فرمایند:

« ما بمکّة والمدینة عشرون رجلاً یحبّونا »^(۲).

بیست نفر در مکّه و مدینه یافت نمی‌شدند که ما (اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) را دوست داشته باشند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۶ صفحه ۱۵۲.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، جلد ۴ صفحه ۱۰۴.

این سخن تلخ که گویای شرایط آن دوران است، هر انسان حقیقت بین و با انصاف را به شگفتی می‌اندازد. شهری که محلّ تولّد خاتم پیامبران ﷺ و محلّ تولّد دین اسلام شناخته می‌شد، آن‌چنان تغییر کرده بود که مردم آن در فاصله کوتاهی (حدود پنجاه سال) بعد از رحلت رسول خدا ﷺ، سلاله ایشان را تنها و بی‌یاور رها می‌نمایند.

در این جا این سؤال مطرح می‌شود که با وجود رفاه، آسایش، آزادی و عزّت که همه در پرتو جان فشانی‌ها و از خودگذشتگی‌های رسول خدا ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان علیهم‌السلام به دست آمده بود، چه اتفاقی رخ داد که مقام ولایت و امامت در نگاه مردم، این اندازه بی‌ارزش شده بود؟

حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام در سفری که به مکه داشتند به یکی از اصحاب خود فرمودند: آیا شنیده‌ای که جمیله رقااص دیروز وارد مکه شده است و فرمانروای مکه با عده کثیری به استقبال او رفته است؟ عرض کرد: بلی شنیده‌ام. امام علیه‌السلام فرمودند: من بیست روز است که در مکه اقامت کرده‌ام ولی هیچ کس به دیدار من نیامده است.

طلحة بن عبیدالله - طبق نقل اهل سنت - یکی از ده نفری است که در همان ابتدا به اسلام و رسول خدا ﷺ ایمان آورد. در جنگ احد زمانی که رسول خدا ﷺ مجروح شده بودند و شایعه کشته شدن ایشان جهت تضعیف روحیه مسلمانان پخش شده بود، طلحه با اینکه جراحات فراوانی در بدن داشت، رسول خدا ﷺ را بر مرکبی سوار نمود و از ایشان در مقابل سوء قصد‌ها دفاع می‌کرد، تا بدین وسیله مسلمانان رسول خدا ﷺ را مشاهده نمایند و دچار ضعف روحیه نشوند. او فرزندی به نام ابراهیم داشت. زمانی که قافله اسرا را وارد شام کردند ابراهیم به

استقبال این قافله آمده و با بی حیایی مشغول زخم زبان زدن به حضرت امام سجاد علیه السلام شد. او کینه‌های خود از جنگ جمل و شکست پدر خود از لشکریان امیرالمؤمنین علیه السلام را آشکار نمود و صدا زد: ای علی بن الحسین! حالا بگو پیروز کیست؟ حضرت امام زین العابدین علیه السلام در جواب او فرمود: هنگامی که وقت نماز رسید و مشغول اذان و اقامه شدی خواهی فهمید که کدامیک از ما پیروز شده است^(۱).

این‌ها گوشه‌ای از وضعیّت آشفته و بحرانی آن دوران بود که در قالب این دو نقل تاریخی بیان گردید.

دستگاه حکومت نیز از وضعیّت بحرانی و آشفته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چندان ناراضی به نظر نمی‌رسید و از جهالت مردم استقبال می‌کرد. حکومت بر مردمی متعبد، زود باور و خوش بین به دستگاه حکومت با وجود فساد و تباهی آن، چیزی بود که خوشایند دستگاه خلافت محسوب می‌شد؛ زیرا حکومت بر مردمی دانشمند، فرهیخته، آگاه، دین شناس و دارای بصیرت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بسیار دشوار می‌نمود. در این اوضاع نابسامان حضرت امام سجاد علیه السلام وظیفه خطیر ولایت و رهبری را به عهده گرفته بودند و وضعیّت سیاسی آن روزگار را رصد^(۲) می‌کردند. از این رو می‌توان گفت شاید دشوارترین امور این دوران آگاهی و معرفت به مقام ویژه امامت باشد.

با مراجعه به زیارت شریف جامعه کبیره می‌توان به ابعاد وجودی و مراتب عالیّه اهل بیت علیهم السلام آگاهی یافت. ولی خصوصیات ویژه هر یک از اهل بیت علیهم السلام

۱. امالی شیخ طوسی رحمته الله علیه، صفحه ۶۷۷ و بحارالأنوار، جلد ۴۵ صفحه ۱۷۷.

۲. رصد: چشم دوختن، مراقب و نگهبان. (فرهنگ معین)

را می‌توان در حدیث شریف لوح جستجو کرد. چنانچه گذشت حدیث شریف لوح دو مقام **عبداللّهی و ولی اللّهی** را برای حضرت امام سجّاد علیه السلام به اثبات می‌رساند. در ادامه این مقال به بررسی اجمالی و مفید در مورد این دو مقام خواهیم پرداخت.

مقام عبودیت و مراتب آن

بر طبق آیات و روایات فراوان تمامی مخلوقات بر حسب حال خود به عبادت خداوند متعال می‌پردازند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا * لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا﴾^(۱).

تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، بنده اویند * خداوند همه آنها را احصا کرده، و به دقت شمرده است.

حضرت امام سجّاد علیه السلام به واسطه مقامات و مراتبی که کسب کرده‌اند، تنها به عنوان یکی از عبادت‌کنندگان محسوب نمی‌شوند بلکه به آقا و سرور همه عبادت‌کنندگان ملقب می‌گردند. طبق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام، خداوند متعال ملائکه و فرشتگانی را مخصوص عبادت آفریده است ولی آنها نیز با تمام عباداتی که انجام می‌دهند آقا و مولایی به نام حضرت امام سجّاد علیه السلام دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد ملائکه و خلقت آنها می‌فرماید:

«ثمّ فتق ما بين السموات العلى، فملاهنّ أطوارا من ملائکته، منهم

۱. سوره مریم، آیه ۹۳ و ۹۴.

سجود لا یرکعون، و رکوع لا یتتصبون، و صافون لا یتزایلون،
و مسبحون لا یسأمون، لا یغشاهم نوم العیون، ولا سهوا العقول، ولا
فترة الأبدان، ولا غفلة النسیان؛

سپس خداوند سبحان آسمان‌های بلند را از هم باز کرد و میان
آنها را پر از انواع فرشتگان ساخت. برخی از فرشتگان، سجده
کنندگانی هستند که رکوعی ندارند. برخی دیگر برای رکوع
خمیده‌اند و قامت برای قیام راست نمی‌کنند. گروهی از آنان
صف کشیدگانی هستند که هرگز هیچ دگرگونی در وضع خود
نمی‌دهند. تسبیح‌گویانی هستند که خستگی و فرسودگی راهی به
آنان ندارد. نه بر چشمانشان خوابی پیروز می‌گردد و نه بر
عقولشان اشتباهی، نه بر کالبد‌هایشان سستی روی می‌آورد و نه به
آگاهی‌هایشان غفلت فراموشی.

و منهم أمناء علی و حیه، و السنة إلی رسله، و مختلفون بقضائه و أمره،
و منهم الحفظة لعباده، و السدنة لأبواب جنانه؛

دسته‌ای از فرشتگان را امنای وحی و زبان‌گویا بر پیامبرانش (ﷺ)
قرار داد و دسته دیگری را وسایط اجرای فرمان قضا و امر
ربوبی‌اش، جمعی از آنان را نگهبانان بندگانش فرمود و جمع
دیگری را پاسبان درهای فردوس برینش.

و منهم الثابتة فی الأرضین السفلی أقدامهم، و المارقة من السماء
العلیا أعناقهم، و الخارجة من الأقطار أركانهم، و المناسبة لقوائم
العرش أكتافهم. ناکسة دونه أبصارهم، متلفعون تحته بأجنحتهم.

مضروبة بينهم وبين من دونهم حجب العزّة، وأستار القدرة. لا يتوهّمون ربّهم بالتّصوير، ولا يجرون عليه صفات المصنوعين، ولا يحدّونه بالأماكن، ولا يشيرون إليه بالتّظاير»^(۱).

بعضی از آن فرشتگان پاهایی در سطوح پایین زمین دارند و گردن‌هایی بالاتر از مرتفع‌ترین آسمان‌ها، و اعضای کالبدی گسترده‌تر از پهنه صفحات کیهان بیکران، و دوش‌هایی همسان پایه‌های عرش. این موجودات مقدّس در برابر عرش خداوندی از روی تعظیم چشم به پایین دوخته‌اند و در زیر عرش ربّانی به بال‌های خویشان پیچیده‌اند. میان این فرشتگان و کائنات پایین‌تر، حجابی از عزّت ملکوتی و پرده‌هایی از قدرت فوق‌طبیعی زده شده است. آنان هرگز خدا را با تصویر و ترسیم‌های محدود کننده نمی‌پندارند، و صفات ساخته‌ها را به مقام شامخ نسبت نمی‌دهند، و او را با تصوّر در جایگاه‌ها محدود نمی‌سازند و با امثال نظایر اشاره به ذات اقدسش نمی‌کنند.

طبق این سخن گهربار، ملائکه از ابتدای آفرینش تا انتهای آن مشغول عبادت پروردگار می‌باشند، زمانی که ممکن است میلیون‌ها میلیون سال به طول انجامد. ولی با این همه سرور تمامی عبادت‌کنندگان و برتر از همه آنها به تصریح حدیث قدسی لوح، حضرت امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشند. البتّه این لقب، لقبی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به آن تصریح فرموده‌اند. جابر می‌گوید:

«كنت مع رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ والحسين في حجره وهو يلاعبه، فقال:

۱. نهج البلاغه، خطبة ۱.

یا جابر! یولد لابنی الحسین ابن یقال له: علیّ، إذا کان یوم القیامة نادى مناد: لیتقم سیّد العابدین، فیتقوم علیّ بن الحسین علیه السلام»^(۱).
 من همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم در حالی که امام حسین علیه السلام در دامان ایشان صلی الله علیه و آله و سلم بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نوه خود مشغول بازی بودند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای جابر! برای فرزندم حسین فرزندی متولد می شود که او را علی علیه السلام نام می نهند. هنگامی که روز قیامت برپا شود، منادی ندا می دهد: آقا و سرور عبادت کنندگان برخیزد؛ در این هنگام علی بن الحسین علیه السلام بر می خیزد.

لازم به ذکر است که به دست آوردن چنین مقام و مرتبه‌ای کار آسانی نمی باشد و از عهده هر کسی بر نمی آید، ولی حضرت امام سجّاد علیه السلام توانستند با عبادت‌های بی مثال به این مقام و مرتبه دست یابند. حضرت امام باقر علیه السلام در این باره می فرمایند:

«کان لأبی علیه السلام فی موضع سجوده آثار ناتئة وكان یقطعها فی السنة مرتین فی کلّ مرّة خمس ثغفات فسمی ذالثلثفات لذلك»^(۲).
 در محلّ سجده پدرم علیه السلام آثار برجسته‌ای بود که سالی دو بار و هر بار پنج پینه را می بردند. به همین دلیل ایشان را ذوالثلثفات^(۳) نامیدند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۶ صفحه ۲۲۷.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۶ صفحه ۳۷۷ و بحار الأنوار، جلد ۴۶ صفحه ۶.

۳. ثغفات به سختی، ورم‌ها و پینه‌هایی گفته می شود که از تماس اعضای بدن با زمین حاصل می شود. (الرائد، جلد ۱)

در روایت دیگری آمده است که ایشان سفارش کرده بودند آن پینه‌ها را در کیسه‌ای جمع کنند و همراهشان دفن کنند.

البته باید این نکته را متذکر شد که وجود خصوصیات ویژه اخلاقی و اجتماعی حضرت امام سجّاد علیه السلام بود که توانست ایشان را در کنار عبادت‌های بی‌مثال مشهور نماید. مقام سیادت و آقایی ایشان بر عبادت کنندگان - مانند فرشتگان، مقرب و اولیای خدا - هرگز قابل مقایسه با کسی نیست که در مقام صوفی‌گری، غارنشینی، گوشه‌گیری و ریاضت‌های بی‌دلیل بر دیگران سروری و آقایی بفروشد؛ از این رو دلیل سیادت و سروری ایشان را باید در جای دیگری یافت. به طور مثال در روایتی آمده است:

«قيل لعليّ بن الحسين عليه السلام وكان الغاية في العبادة: أين عبادتك من عبادة جدّك؟ قال: عبادتي عند عبادة جدّي كعبادة جدّي عند عبادة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم»^(۱).

از امام سجّاد علیه السلام در حالی که بسیار عبادت می نمودند، سؤال شد: عبادت شما نسبت به عبادت جدّتان (امیرالمؤمنین علیه السلام) چگونه است؟ ایشان فرمودند: عبادت من نسبت به عبادت جدّم، مانند عبادت جدّم نسبت به عبادت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می باشد.

در این روایت به روشنی دوری امام علیه السلام از عجب و فخر فروشی نسبت به عبادت نمودار است، همانطور که بیان واقعیت و فضل خاص امیرمؤمنان علیه السلام و پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نشان از خضوع حضرت امام سجّاد علیه السلام در برابر اجداد

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۱ صفحه ۱۴۹ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه (ابن أبی الحدید)، جلد ۱ صفحه ۲۷.

مکرم‌شان دارد. در روایت ذیل نیز به یکی از آن دلایل اشاره شده است. حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پدرم علی بن حسین علیه السلام فرمودند:

«مرضت مرضاً شديداً، فقال لي أبي عليه السلام: ما تشتهي؟ فقلت أشتهي أن أكون ممن لا أقترح على الله ربي ما يدبره لي، فقال لي: أحسنت، ضاهيت إبراهيم الخليل صلوات الله عليه، حيث قال جبرئيل عليه السلام: هل من حاجة؟ فقال: لا أقترح على ربي، بل حسبي الله ونعم الوكيل»^(۱).
دچار بیماری شدیدی شدم پس، پدرم علیه السلام به من فرمودند: چه چیزی میل داری؟ پس من گفتم: میل و اراده این است که از کسانی باشم که بر خداوند متعال در آنچه که برای من تدبیر نموده، پیشی نگیرم. پس پدرم علیه السلام فرمودند: آفرین بر تو، مقام و جایگاه تو مانند ابراهیم خلیل علیه السلام است، در آنجایی که جبرئیل علیه السلام (هنگامی که ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند) به ایشان گفت: آیا حاجتی داری؟ پس ابراهیم علیه السلام فرمود: من بر خدای خویش پیشی نمی‌گیرم، خداوند مرا کفایت می‌کند و او بهترین وکیل است.

بنابراین آنچه که از عبادات و سجده‌های طولانی امام سجاد علیه السلام ذکر گردید، تنها دلیل ظاهری و بیرونی سیادت و آقایی محسوب می‌شود ولی علت درونی و نفسانی آن، همان است که در روایت فوق ذکر گردید و حضرت امام سجاد علیه السلام نیز به دلیل گذراندن این مراحل، ملقب به سرور عبادت‌کنندگان شده و بر ملائکه و حتی انبیاء علیهم السلام پیشی گرفته‌اند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۷۸ صفحه ۲۰۸.

مقام ولایت و مراتب آن

مقام دیگری که در حدیث شریف لوح برای حضرت امام سجّاد علیه السلام به اثبات رسید مقام **ولی اللهی** بود. برای تبیین بیشتر این مقام، در ابتدا با استناد به برخی از آیات قرآن مجید اولیای الهی را مورد شناسایی قرار می‌دهیم. خداوند متعال در سوره یونس می‌فرماید:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۱).

آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند * همانها که ایمان آوردند، و پرهیزگار بودند * در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور)‌ند. وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیر است. این است آن رستگاری بزرگ.

مقام ولی اللهی دارای مراتب و درجات گوناگون می‌باشد. به عبارت دیگر این مقام مانند نور مراحل و درجاتی دارد. نوری که از یک شمع، یک لامپ، یا از خورشید و ماه و ستارگان ساطع می‌شود، هر یک در درجه‌ای قرار گرفته است. شخصی ممکن است به اندازه نور یک شمع از نورانیت ولایت خدا نورانی شود و شخص دیگری به اندازه نور یک لامپ. بالاترین درجه را می‌توان به اولیای خدا، رسول گرامی اش صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای ایشان علیهم السلام اختصاص داد.

در این جا بار دیگر به این مسأله می‌پردازیم که حضرت امام سجّاد علیه السلام چه

۱. سوره یونس، آیات ۶۲، ۶۳ و ۶۴.

اعمالی را انجام دادند که به مقام سیادت و سروری عبادت کنندگان نائل آمدند؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه به یکی از بالاترین درجات یعنی تقوا اشاره نموده و در خطبه‌ای به شرح و تفصیل صفات متقین پرداخته‌اند. صفاتی که تک تک آنها در زندگی حضرت امام سجّاد علیه السلام به چشم می‌خورد. ایشان در قسمتی از این خطبه می‌فرمایند:

«عظم الخالق في أنفسهم فصغر ما دونه في أعينهم ، فهم والجنة كمن قدر آها فهم فيها منعمون ، وهم والنار كمن قدر آها فهم فيها معدّبون . قلوبهم محزونة ، وشروهم مأمونة وأجسادهم نحيفة ، وحاجاتهم خفيفة ، وأنفسهم عفيفة . صبروا أيّاما قصيرة أعقبتهم راحة طويلة تجارة مبرحة يسرها لهم ربهم . أرادتهم الدنيا فلم يريدها»^(۱) .

خالق کائنات در نفوس آنان بزرگ، و جز خدا در چشم آنان کوچک گشته است. مثل بهشت و آنان چونان است که آن را دیده‌اند و در مقام والای آن بهشت در نعمت غوطه ورنند. و مثل دوزخ و آنان چونان است که آن را دیده‌اند و در میان آن در عذابند. دل هایشان اندوهگین است و مردم از شرّشان در امان هستند. بدن هایشان لاغر است و احتیاجاتشان سبک و نفوس آنان پاک و پاکیزه. روزگاری کوتاه که صبر و تحمل کردند، آسایش طولانی در پی داشت. این تجارت سود آوری بود که خداوند برای مردم با تقوا امکان‌پذیر ساخت. دنیا روی به آن تقوا پیشگان آورد، ولی آنان رهایش کردند.

۱. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۳.

طبق فرمایشات گهربار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، انسان با تقوا کسی است که هرگز به خود ترس و واهمه راه نمی‌دهد و در مقابل ظلم و ظالم سکوت نکرده و وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرمایند:

«إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»^(۱).

همانا برترین جهادها سخن گفتن از عدل نزد رهبری ستمکار و جنایت پیشه می‌باشد.

برخورداری از این صفت زیبا بود که حضرت زینب کبری علیها السلام را بر آن داشت تا در مجلس یزید بعد از این‌که او به ظلم و جنایات خود اعتراف و افتخار می‌نمود، از حق و حقیقت دفاع نماید و هنگامی که شروع به سخنرانی نمود، فرمود: ای یزید! آیا گمان می‌کنی ارزش و مقام تو نزد خداوند عظیم می‌باشد...^(۲).

بنابراین همه چیز و همه کس نزد متقین و اولیای خدا بی ارزش است مگر آنکه رنگ خدایی به خود گرفته باشد. آنها به این دلیل که بهشت و خوشی‌های آن و نیز جهنم و عذاب‌های آن را مشاهده می‌کنند، از شنیدن آیات عذاب به شدت متأثر می‌شوند. در روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ابن مسعود می‌فرمودند: «نزد من قرآن را تلاوت کن». در حالی که خود ایشان قرآن را برای بشر هدیه آورده‌اند، ولی حتماً در استماع اثری دیده‌اند که چنین دستوری می‌فرمایند. این اثر در وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حدی بود که وقتی آیات ابتدایی سوره نساء تلاوت شد اشک از چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرا زیر شد و به

۱. بحار الأنوار، جلد ۹۷ صفحه ۷۵.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۵ صفحه ۱۳۳.

دلیل گریه رسول خدا ﷺ ابن مسعود تلاوت قرآن را خاتمه دادند^(۱).
 چنانچه گذشت، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف پرهیزکاران فرمودند:
 مردم از شر آنان در امان می‌باشند؛ برای تبیین بهتر این فراز به روایت ذیل توجه
 کنید. نقل شده است: حضرت امام سجّاد علیه السلام غلامی داشتند. روزی دوبار او را
 صدا زدند، ولی او پاسخ نداد. سپس مرتبه سوم پاسخ داد. امام علیه السلام به او
 فرمودند: مگر صدای مرا نشنیدی؟ آن برده گفت بلی شنیدم! امام علیه السلام فرمودند:
 پس چرا پاسخم را ندادی؟ برده گفت: چون از تو در امان بودم. امام علیه السلام
 فرمودند: ستایش خداوندی را سزد که برده مرا در امانم قرار داده است^(۲).

رسول خدا ﷺ در روایتی می‌فرماید:

«أعمار أمتي ما بين الستين إلى السبعين»^(۳).

امت من شصت یا هفتاد سال عمر می‌کند.

با ضمیمه این روایات به سخنان گهربار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، به این
 نتیجه می‌رسیم که اگر انسان‌ها شصت یا هفتاد سال به مبارزه با هوای نفسانی و
 شیطان پردازند، تجارتی پر سود انجام داده‌اند که زندگی ابدی و پر مشقت آخرت
 را برای آنان آسان می‌نماید.

سیادت و سروری در پناه ایمان و تقوا

از بررسی مطالب گذشته به این نکته پی می‌بریم که رسیدن حضرت امام
 سجّاد علیه السلام به مقام سیادت و سروری تمام عبادت‌کنندگان، در پرتو ایمان و تقوا

۱. صحیح مسلم، جلد ۲ صفحه ۱۹۶ و سنن ترمذی، جلد ۴ صفحه ۳۰۵.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۶ صفحه ۵۶ از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۱ صفحه ۳۸۷.

۳. سنن الترمذی، جلد ۵ صفحه ۲۱۴.

بوده است. ایمان دارای مراتب و درجات گوناگون و مختلفی می‌باشد. در روایتی آمده است:

«إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لِمِظَةِ بَيْضَاءٍ فِي الْقَلْبِ فَكَلَّمَا از دَاد الْإِيمَانَ ، از دَاد ذَلِكَ الْبِيَاضَ حَتَّى يَبْيُضَّ الْقَلْبَ كُلَّهُ»^(۱).

همانا ایمان مانند نقطه‌ای سفید در قلب می‌باشد. پس هر چه بر ایمان افزوده شود، بر این سفیدی هم افزوده می‌شود تا اینکه تمام قلب سفید می‌شود.

طبق آیات شریف سوره یونس که در صدر بحث گذشت، انسان مؤمن و با تقوا از بشارت الهی در این دنیا برخوردار می‌شود و این سنت الهی، تخلف‌ناپذیر می‌باشد. حضرت امام صادق علیه السلام در مورد شخص روزه دار می‌فرماید:

«لِلصَّائِمِ فَرِحَتَانِ ، فَرِحَةٌ عِنْدَ الْإِفْطَارِ وَفَرِحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^(۲).

برای روزه دار دو لحظه شادی آور و خوشحال کننده می‌باشد. خوشحالی هنگامی افطار و خوشحالی هنگام دیدار پروردگارش. درجات و مراتب ایمان به معرفت انسان بستگی دارد. به این معنا که انسان هر چه معرفت و شناخت خود را نسبت به پروردگارش افزایش دهد در ایمان خود ترقی و پیشرفت خواهد کرد. طبق این سخن بهترین معرفت و شناخت، معرفتی است که از سوی پروردگار به انسان عطا شود و او با زاری و تضرع به درگاه خداوند چنین درخواست کند که:

۱. شرح إحقاق الحق، جلد ۳۲ صفحه ۷۱.

۲. بحار الأنوار، جلد ۹۳ صفحه ۲۴۸.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ» .

خدایا خودت را به من بشناسان .

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز در دعای صباح می فرماید:

« يَا مَنْ دَلَّ عَلَيَّ ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنُّ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ »^(۱) .

ای کسی که راهنمایی کرد بر خودش به وسیله خودش و منزّه است از هم جنسی (و مشابهت) مخلوقاتش .

گذشته از شناختی که از ناحیه پروردگار به انسان عطا می شود، طبق آیات قرآن کریم یکی از بهترین راههای به دست آوردن معرفت خداوند متعال ، سیر در آفاق و آفرینش است . خداوند متعال می فرماید:

﴿ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴾^(۲) .

به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است . آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است .

بنابراین اگر شخصی مراتب معرفت خداوند متعال را طی کند و به بالاترین حدّ از معرفت دست یابد، آنگاه با چنین شناختی رو به سوی عبادت خداوند کند، زینت اولیا و دوستان خداوند متعال شناخته می شود. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در لابه لای سخنان گهربارشان به درجات و مراتب ایمان اشاره نموده و انسانها را به سوی بهترین معرفت و شناخت ترغیب نموده اند.

۱. مفاتیح الجنان، دعای صباح .

۲. سوره فصلت، آیه ۵۳ .

باید توجه داشت که دسترسی به مراتب اعلائی معرفت برای همگان امکان پذیر نمی باشد، به همین دلیل رسیدن به چنین درجاتی برای افراد عادی مورد الزام قرار نگرفته است. روایت ذیل نشان می دهد که انسان ها می توانند در عین دارا بودن معرفت و شناخت ساده، دارای ایمان و اعتقادی راسخ و استوار باشند. روزی رسول خدا ﷺ از کنار پیرزنی می گذشتند. از او سؤال کردند: چگونه خدا را شناخته ای؟ پیرزن که مشغول ریسندگی با چرخ بود، دست از چرخاندن برداشت و گفت: اگر انگشتان من نباشد، این چرخ نمی چرخد، حال چگونه چرخ آفرینش بدون قدرتی خواهد چرخید؟ رسول خدا ﷺ فرمودند:

«علیکم بدین العجائز»^(۱).

بر شما باد به دین پیرزن ها.

آثار ایمان و تقوا

ایمان موثر که انسان را به مقامات و درجات والا سوق می دهد، ایمانی است که بتواند انسان را از دو موضوع حفظ و نگه داری نماید. ۱. نافرمانی در مقابل واجبات. ۲. فرمان شکستن در مقابل محرمات. بسیاری از مردم به این دلیل که از ایمان و تقوا تعریف خاصی ارائه نمی کنند، نمی توانند این دو اثر را در خود ایجاد کنند. از این رو در بسیاری از مواقع مشاهده می شود که اگر انجام واجب هزینه ای در برداشت آن را انجام می دهند، و یا حتی برای حفظ منافع و موقعیت خود حاضرند به اعراض و آبرو و حتی جان مردم تعدی و تجاوز نمایند. براساس روایات اگر انسان از خطوط قرمز الهی عبور نکرد و

۱. بحار الأنوار، جلد ۶۶ صفحه ۱۳۵.

حریم و موقعیت خود را حفظ نمود، بر ایمان او افزوده می‌شود و در غیر این صورت ایمان خود را از دست خواهد داد.

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

« العلم مقرون إلى العمل ، فمن علم عمل ، ومن عمل علم والعلم يهتف بالعمل ، فإن أجابه وإلا ارتحل عنه »^(۱).

علم همیشه با عمل همراه می‌باشد، بنابراین هر کسی عالم شود طبق علم خود عمل می‌کند، و کسی هم که عمل کرد دانا می‌شود، و علم انسان را به سوی عمل فرا می‌خواند، پس اگر جواب او را داد، نزد او باقی می‌ماند در غیر این صورت آن علم را از دست می‌دهد.

اگر کسی طبق دانسته‌های علمی و معنوی بر عمل خود افزود، نور ایمان را باور کرده است و اگر عمل نکند، گویا به علم و دانش خود ظلم نموده است. بر طبق آیات شریف قرآن کسی که از ظالمین و ستمکاران محسوب شود، خداوند متعال اسباب گمراهی او را پدید می‌آورد.

﴿ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴾^(۲).

و ستمگران را گمراه می‌سازد او لطف خود را از آنها بر می‌گیرد. خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد.

هم چنین خداوند متعال در یکی از آیات شریفه قرآن کریم مؤمنین را دارای عزت و احترام معرفی نموده و می‌فرماید:

۱. الکافی، جلد ۱ صفحه ۴۴ و از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۵۶ صفحه ۶۶.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^(۱).

عزت مخصوص خدا و رسول او مؤمنان است. ولی منافقان نمی‌دانند.

در تفسیر این آیه شریف باید گفت: گوهر عزت که از سوی خداوند متعال به مؤمنین عطا شده است به خاطر ایمان اوست. پس ایمان از مؤمن عزیزتر و گرامی‌تر است زیرا این انسان است که از ایمان خود کسب آبرو و عزت می‌نماید. اگر مؤمن به عزت و اکرام خود پایبند بود، این عزت برای او می‌ماند؛ در غیر این صورت این گوهر را از دست خواهد داد.

با تبیین این نکته دقیق و ظریف می‌توان گفت: خداوند متعال مواهب و عطایای مادی و دنیوی را به هر که بخواهد عنایت می‌کند ولی کسب مواهب و عطایای معنوی بسیار دشوار می‌باشد. در تاریخ انسان‌های ثروتمند فراوانی یافت می‌شوند که با وجود برخورداری از تمام مواهب مادی و دنیوی، از عطایای معنوی هیچ بهره‌ای نداشتند. قارون یکی از این اشخاص بود. که قرآن در مورد اموال فراوان او چنین می‌گوید:

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾^(۲).

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل

۱. سوره منافقون، آیه ۸.

۲. سوره قصص، آیه ۷۶.

بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.

فرعون نیز کسی بود که به خاطر مال و اموال فراوان آن چنان مغرور شد که خود را خدا می‌نامید. از سوی دیگر حضرت موسی و عیسی علیهما السلام به این دلیل که علم و دانش خود را با عمل همراه نمودند، خداوند متعال بر ایمان آنها افزود و آن دو بزرگوار را به مقامات والای معنوی رسانید، تا جایی که خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را هم صحبت و هم کلام خود معرفی نمود و فرمود:

﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾^(۱).

و خداوند با موسی سخن گفت.

همچنین در مورد حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾^(۲).

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده که به آنها می‌گوید: من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور

۱. سوره نساء، آیه ۱۶۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۴۹.

مادر زاد و مبتلایان بر برص (پیسی) را بهبودی می‌بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم. مسلماً در اینها نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید.

ایمان گوهری گرانبهاست و به هر کسی داده نمی‌شود و به دست آوردن آن، بهایی ارزشمند می‌طلبد، عبارت دیگر عمل در ایمان مستتر می‌باشد. پس انسانی سعادت‌مند است که گوهر ایمان را دریافت کند و بتواند تا آخرین لحظات عمر آن را حفظ نماید، لذا مناسب است که انسان در دعا‌های خود بگوید:

«اللّٰهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ اَمُورِنَا خَيْرًا».

خدایا عاقبت و پایان کار ما را خیر و نیکی قرار بده.

عاقبت گناه تکذیب آیات الهی

مطابق آیات شریف قرآن کریم، انسانی که گناه روی گناه انجام می‌دهد و از ارتکاب گناهان ترس و واهمه‌ای ندارد، بدان جا می‌رسد که آیات الهی را تکذیب می‌نماید. زمانی که سر مقدس حضرت امام اباعبدالله الحسین علیه السلام در طشتی مقابل دیدگان یزید (لعنة الله عليه) قرار گرفت، به تکذیب وحی و آیات الهی پرداخت و اشعاری کفرآمیز را زمزمه کرد:

لعبت هاشم بالملك فلا خبر جاء ولا وحى نزل^(۱)

بنی هاشم بر مردم حکومت کردند (طبق میل خود حکومت نمودند) در حالی که خبری نبود و وحیی نازل نشده بود.

۱. مدینة المعاجز، جلد ۴ صفحه ۱۴۱ و از منابع اهل سنت: تاریخ طبری، جلد ۸ صفحه ۱۸۸.

حضرت زینب (کبری علیها السلام) در پاسخ سخنان کفرآمیز یزید (علیه اللعنة) به این آیه از قرآن کریم تمسک کردند:

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾^(۱).

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند. هنگام ورود کاروان اسرا همراه حضرت امام سجّاد علیه السلام به شام نیز این نکته را می‌توان مشاهده نمود. کشور و شهری که نام اسلام و دیانت را بر خود دارد و مردمی مسلمان در آنجا زندگی می‌کنند، به دلیل دنیا پرستی و گناهان فراوان به طعنه زدن و استهزاء اهل بیت علیهم السلام و ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله پرداختند و حتی از پشت بام‌ها به سوی حضرت امام سجّاد علیه السلام سنگ پرتاب می‌کردند. راوی می‌گوید به دلیل جراحی که از این سنگ‌ها در سر مقدس حضرت امام سجّاد علیه السلام پدید آمد دیدم که خون تازه جریان یافت و حضرت امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

فِیَالِیتِ اُمِّی لَمْ تَلْدَنِی وَلَمْ اُکُنْ یِرَانِی یَزِیدُ فِی الْبِلَادِ اَسِیر^(۲)

ای کاش مادرم، مرا نزیاییده بود و یزید من را در شهرها به اسارت نمی‌دید.

هنگامی که اسیران را در کنار مسجد جامع دمشق نگه داشتند، مرد پیری از اهل شام نزد حضرت امام سجّاد علیه السلام آمد و گفت: الحمد لله که خدا شما را کشت و شهر ما را از مردان شما راحت کرد و یزید را بر شما مسلط گردانید. چون سخن

۱. سوره روم، آیه ۱۰.

۲. بلاغة الإمام علی بن الحسین علیه السلام، صفحه ۲۵۳ مستدرک سفینه البحار، جلد ۹ صفحه ۲۹۷.

خود را تمام کرد، امام علیه السلام فرمودند: ای شیخ! آیا قرآن خوانده‌ای، گفت: بلی! فرمودند: این آیه را خوانده‌ای،

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^(۱).

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم).

گفت: بلی، امام علیه السلام فرمودند: کسانی که مودت آنها مزد و اجر رسالت قرار داده شده، ما هستیم. باز فرمودند: این آیه را خوانده‌ای:

﴿وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^(۲).

و حق نزدیکان را بپرداز.

گفت: بلی، امام علیه السلام فرمودند: کسانی که خداوند متعال امر فرموده حق آنها عطا گردد، ما هستیم، و نیز فرمودند: آیا این آیه را خوانده‌ای:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِيهِ خُمُسُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ﴾^(۳).

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر و برای نزدیکان است.

گفت: بلی. حضرت علیه السلام فرمود: آن ذوی القربی ما هستیم. آیا این آیه را هم خوانده‌ای:

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. سوره اسراء، آیه ۲۶.

۳. سوره انفال، آیه ۴۱.

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^(۱).

خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

گفت: بلی. حضرت علیه السلام فرمود: خاندانی که خداوند متعال آنها را پاک و پاکیزه از آلودگی ها معرّفی می نماید، ما هستیم. آن پیرمرد گریان شد و از گفته خود پشیمان گردید و عمامه خود را از سر انداخت و رو به آسمان گردانید و گفت: خداوندا! بیزاری می جویم به سوی تو از دشمنان آل محمد علیهم السلام از جنّ و انس. سپس به خدمت امام علیه السلام آمده و عرض کرد: اگر توبه کنم، آیا توبه من پذیرفته است؟ امام علیه السلام فرمودند: بلی^(۲).

﴿ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ ﴾

« والسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. منتهی الآمال، صفحه ۵۰۳.

خودآزمایی

- ① حدیث لوح حضرت امام سجّاد علیه السلام را چگونه معرفی می‌کند؟
- ② حضرت امام سجّاد علیه السلام در مورد محبّت و مودّت مردم آن روزگار به اهل بیت علیهم السلام چه فرمودند؟
- ③ حضرت امام سجّاد علیه السلام در پاسخ به زخم زبان ابراهیم بن طلحه در مورد اینکه چه کسی پیروز واقعی است چه فرمودند؟
- ④ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت ملائکه را چگونه توصیف نمودند؟
- ⑤ حضرت امام باقر علیه السلام در مورد عبادت پدر گرامیشان چه فرمودند؟
- ⑥ علل ظاهری و نفسانی که باعث شد حضرت امام سجّاد علیه السلام به مقام سیادت و سروری عبادت کنندگان نائل شوند، چه بود؟
- ⑦ آیا ولایت دارای مراتب است؟ با مثال توضیح دهید.
- ⑧ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد اخلاق متّقین چه می‌فرمایند؟
- ⑨ مراتب و درجات ایمان چگونه به دست می‌آید؟ قرآن مجید چه راهی را پیشنهاد می‌کند؟
- ⑩ آثار ایمان و تقوا را نام ببرید؟ حضرت امام صادق علیه السلام در این زمینه چه می‌فرمایند؟
- ⑪ سنّت و روش الهی در زمینة مواهب و عطایای مادی و معنوی چگونه است؟
- ⑫ عاقبت و سرانجام گناهان چیست؟
- ⑬ ورود قافله اسرا به شام چگونه بود؟
- ⑭ آن مرد پیر به حضرت امام سجّاد علیه السلام چه گفت و چه شنید؟

دچار بیماری شدیدی شدم پس ، پدرم علیه السلام به من فرمودند: چه چیزی میل داری؟ پس من گفتم: میل و اراده این است که از کسانی باشم که بر خداوند متعال در آنچه که برای من تدبیر نموده، پیشی نگیرم. پس پدرم علیه السلام فرمودند: آفرین بر تو، مقام و جایگاه تو مانند ابراهیم خلیل علیه السلام است، در آنجایی که جبرئیل علیه السلام (هنگامی که ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند) به ایشان گفت: آیا حاجتی داری؟ پس ابراهیم علیه السلام فرمود: من بر خدای خویش پیشی نمی گیرم، خداوند مرا کفایت می کند و او بهترین و کیل است. بنابراین آنچه که از عبادات و سجده های طولانی امام سجاد علیه السلام ذکر گردید، تنها دلیل ظاهری و بیرونی سیادت و آقایی محسوب می شود ولی علت درونی و نفسانی آن، همان است که در روایت فوق ذکر گردید و حضرت امام سجاد علیه السلام نیز به دلیل گذراندن این مراحل، ملقب به سرور عبادت کنندگان شده و بر ملائکه و حتی انبیا علیهم السلام پیشی گرفته اند.
(صفحه ۱۲ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳ نمابر:

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۹۸

۶